

نقش انتظار فرج در انسجام اسلامی

گروه‌های سیاسی - اجتماعی

و وظایف دولت زمینه‌ساز

مرتضی داوودپور*

چکیده

بحث ما در حوزه جامعه‌شناختی مسائل سیاسی است. انسجام اجتماعی در هر جامعه، تابع نظام فرهنگی آن جامعه است. باید گفت تعامل گروه‌های سیاسی برای نهادینه کردن ارزش‌های جامعه و حرکت آنها در راستای هم‌بستگی اجتماعی همواره دغدغه اندیشه‌ورزان بوده است. آموزه‌های دینی و به‌ویژه دکترین انتظار، نقش مهمی در انسجام اجتماعی گروه‌های سیاسی ایفا می‌کند. دولت زمینه‌ساز نیز که قدرت سیاسی را در دست دارد، مسئولیت جامعه‌پذیری را برعهده دارد.

اگر فرهنگ انتظار به‌طور صحیح در مدارس و مؤسسه‌های علمی و آموزشی و به‌طور کلی در جامعه، تبلیغ و نهادینه شود و ارزش‌های آن از حوزه نظری به متن جامعه منتقل گردد، جامعه منتظر می‌تواند نهادها و ساختار خود را متناسب با فرهنگ غنی انتظار سامان بخشد؛ در نتیجه نظام اجتماعی آن با انتظار، هم‌سو و همراه خواهد شد. در چنین جامعه‌ای دولت زمینه‌ساز، ابزارهای رسیدن به جامعه موعود و مطلوب را در اختیار افراد قرار می‌دهد و آرمان‌های انتظار در اجتماع نهادینه می‌شود. به این ترتیب با حرکت به سوی هم‌بستگی و انسجام، تفرقه از جامعه رخت برمی‌بندد.

گروه‌های سیاسی، خود را نسبت به زمینه‌سازی تشکیل حکومت جهانی واحد مهدوی، مسئول می‌بینند. بنابراین، تعهدهای ویژه‌ای را بر اساس هنجارهای مهدوی، بر خویش لازم می‌دانند و سیره حضرت، یعنی وحدت‌گرایی را الگوی فعالیت‌های خود قرار می‌دهند. این گروه‌ها در جهت هم‌نوایی اجتماعی حرکت می‌کنند و از برکات آن به‌رمند می‌شوند: کارآمدی و تعاون، ظلم‌ستیزی و عزت‌خواهی، مهرورزی، استحکام جامعه دینی و... . بنابراین، دولت زمینه‌ساز با نشر معارف مهدوی، هم‌نوایی فرهنگی و هنجاری را مطابق نظام ارزشی مهدوی در جامعه منتظر، پی‌گیری می‌کند.

واژگان کلیدی

انتظار فرج، گروه‌های سیاسی، حزب، انسجام، هم‌بستگی اجتماعی، فرهنگی، هنجاری، جامعه‌پذیری، کنترل اجتماعی.

مقدمه

بحث در جامعه‌شناختی سیاسی، بر خلاف نگاه فلسفی و فقهی که در آنها محقق بر پایه اصول و مبانی به تبیین مسائل می‌پردازد، نخست به توصیف و شناخت دقیق مسئله اقدام می‌کند، سپس به نظریه دست می‌یابد. این نگاه به پدیده‌های سیاسی، توصیفی است و می‌کوشد به مدد چارچوب‌های نظری و تئوری‌های جامعه‌شناسی سیاسی، مسائل سیاسی را تجربه و تحلیل کند. در رویکرد جامعه‌شناختی، از الگوهای روش‌شناختی گوناگونی استفاده می‌شود. اهمیت مباحث جامعه‌پذیری بدان روی که به تحلیل رفتار سیاسی افراد و عوامل مؤثر بر آنها می‌پردازد، در عرصه جامعه‌شناسی کم‌بديل است. در واقع از همین رهگذر است که ریشه رویکردهای افراد نسبت به پدیده‌های سیاسی حکومت و احزاب و بازتاب‌های متقابل آن بر اشخاص حقیقی و حقوقی در قالب نهادهای جامعه‌پذیری اجتماع، مانند خانواده، گروه هم‌سالان، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی و حکومت، کار ویژه می‌شود. بنابراین، روش‌هایی که یک جامعه با آن ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی را به اعضای خود منتقل می‌کند، همواره مورد توجه جامعه‌شناسی قرار گرفته است؛ زیرا شخصیت انسانی به وسیله کنش متقابل با دیگران شناخته می‌شود. از این کنش، می‌آموزیم چگونه خود را با جامعه هم‌آهنگ سازیم و زندگی خویش را قاعده‌مند کنیم. این فرآیند اجتماعی شدن در فرهنگ و ساخت اجتماعی، برای هر فرد و جامعه به‌ویژه در حکومت دینی، امری حیاتی است؛ زیرا بدون اجتماعی شدن، نمی‌دانیم چه چیزی را ارزش بدانیم؛ چه کاری را انجام دهیم؛ چگونه فکر کنیم؛ چگونه سخن بگوییم و در مقابل دیگران، چگونه پاسخ دهیم؛ اگرچه این فرآیند در حکومت دینی به صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌گیرد. مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی نسبت به مفهوم جامعه‌پذیری، گستردگی کمتری دارد و تنها حوزه مسائل سیاسی را دربر می‌گیرد. از دید علمای علم سیاست، جامعه‌پذیری نیز فرآیند یادگیری مستمری است که در آن، افراد با نظام سیاسی آشنا می‌شوند و با کسب تجربه و آگاهی به حقوق، وظایف و نقش‌های خود در جامعه پی می‌برند. جامعه‌پذیری سیاسی، روندی آموزشی است که با انتقال هنجارها و رفتار پذیرفتنی نظام سیاسی مستمری، از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند. بنابراین، هدف جامعه‌پذیری سیاسی تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه سیاسی باشند.^۱

ساختار سیاسی اسلام، ساختاری متکامل و مدنی است و شهروندان در آن محترم و صاحب رأی و نظرند. پس در دولت اسلامی، قدرت سیاسی، متأثر از اراده ملت است.^۲ از سویی، احزاب سیاسی در حیات اجتماعی، کارکردهای بسیاری دارند. آنها می‌توانند حرکات نابهنجار بخش‌های گوناگون جامعه را با هم هم‌آهنگ کنند.^۳ دولت‌ها نیز در زمینه فعالیت‌های سیاسی و جهت‌دهی به آنها نقش مهمی دارند.

یکی از دغدغه‌های اندیشه‌ورزان، تعامل احزاب است و همواره در پی راه‌کارهایی برای

هدف جامعه‌پذیری
سیاسی تربیت یا
پرورش افراد به
صورتی است که
اعضای کارآمد جامعه
سیاسی باشند.
ساختار سیاسی
اسلام، ساختاری
متکامل و مدنی است
و شهروندان در آن
محترم و صاحب
رأی و نظرند. پس در
دولت اسلامی، قدرت
سیاسی، متأثر از اراده
ملت است

اتحاد و انسجام هستند.

پرسش اصلی ما در این مقاله این است: انتظار فرج در انسجام اسلامی گروه‌های سیاسی چه نقشی دارد؟ دولت زمینه‌ساز ظهور، در این زمینه چه وظایفی دارد؟ فرضیه ما هم این است: انتظار فرج، عامل هم‌بستگی فرهنگی و یگانگی هنجاری و اجتماعی است و دولت مسئول جامعه‌پذیری آن است.

اهمیت بحث

در آموزه‌های دینی اسلام، واژه انتظار، مفهومی بس ژرف و پر ارج دارد. گویا زیباترین و کامل‌ترین جلوه خداوند است. به گونه‌ای که رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

أفضل العبادة إنتظار الفرج؛^۴

انتظار فرج، برترین عبادات است.

انتظار فرج، چونان منشوری چندضلعی است که زاویه‌های متعددی دارد و نسخه شفابخش دردهای اجتماعی و فردی امروز ماست. بنابراین، یکی از آموزه‌های دینی که نقش زیادی در اصلاح فرد و جامعه دارد، انتظار فرج است. ما بر این باوریم که تنها درمان دردهای بشر، رو آوردن به اسلامی است که در آن، امام زمان ۴ به روشنی الگوی رفتاری تلقی شوند و همه دعوت‌ها، کوشش‌ها و خروش‌ها در جهت احیای تعالیم کتاب خدا و عترت پیامبر ﷺ قرار گیرد.

به انتظار فرج و درخواست ظهور حضرت ولی عصر ۴ سفارش شده است تا مؤمنان همواره چشم به راه او باشند و این تشویق، تحقق همان پیوستگی روحی و وابستگی منتظران ظهور و رهبرشان است.^۵

فرهنگ انتظار، راه‌بردی است امیدبخش و سازنده که با دعوت مؤمنان به ظهور منجی مصلح و عدالت‌گستر الهی، بشر را به حکومت واحد جهانی آن مصلح عدالت‌گستر و وحدت دینی، وحدت نظام، وحدت قانون و وحدت جامعه بشری هدایت می‌کند.

مهم‌ترین اثر انتظار فرج، تجلی توحید و آثار سیاسی و اجتماعی ناشی از آن است. از جمله اموری که تجلی توحید را در ظهور مهدی ۴ روشن می‌سازد، آن است که اهداف توحیدی الهی

مانند وحدت حکومت، نظام، قانون، دین و جامعه به وسیله آن حضرت تحقق می‌یابد. دولتی که در راستای اهداف مهدوی حرکت می‌کند، وظیفه دارد که بسترها و زمینه‌های آن را فراهم سازد. بنابراین، در جهت نهادینه کردن فرهنگ انتظار و جامعه‌پذیر کردن آن در جامعه تلاش کند. یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها، حوزه سیاست، و گروه‌های سیاسی و اجتماعی است.

اگر دولت زمینه‌ساز، فرهنگ انتظار را به‌طور صحیح در جامعه نهادینه کند، به گونه‌ای که گروه‌های سیاسی - اجتماعی، خود را به آرمان‌های مهدوی متعهد بدانند و در انتظار راستین و حقیقی امام زمان ۴ باشند. در فعالیت‌ها و رقابت‌های سیاسی، حضرت را ناظر بر اعمال خود می‌دانند و ضمن رقابت، هم‌بستگی ملی - مذهبی را تعقیب می‌کنند. هم‌چنین در جهت بسترسازی و زمینه‌سازی حکومت مطلوب موعود، تلاش خواهند کرد.

در بیان اهمیت اتحاد، به سخنان مقام معظم رهبری اشاره می‌کنیم:

ملت ما باید هوشیار باشد، تلاش برای اتحاد کلمه و یک‌پارچگی ملی و اتحاد امت اسلامی ادامه یابد. عاقلانه، خردمندانه و مدبرانه، بایستی این اتحاد را حفظ کرد...^۶

ما اگر بخواهیم اتحاد ملی و انسجام اسلامی تحقق پیدا کند، باید بر اصولی که بین ما مشترک است، تکیه کنیم.^۷

گفتنی است از نظر ما، «وحدت» از جهت گرایش‌های سیاسی است؛ یعنی این‌که مسلمانان با هر نوع گرایش سیاسی که بر ذهن و روح آنان حاکم است، از لحاظ عملی زیر لوای اسلام به‌ویژه فرهنگ انتظار با یک‌دیگر متحد بشوند.

مفهوم‌شناسی

انتظار

- مصدر متعدی: چشم داشتن، چشم‌به‌راه بودن؛

- اسم مصدر: چشم‌داشت، چشم‌داشتگی؛

- نگرانی؛^۸

- انتظاره: ترقبه و توقعه و تأنی علیه؛^۹

- منتظرش ماند، انتظارش را کشید؛^{۱۰}

- الفرج (فرج): گشایش.^{۱۱}

انتظار فرج، انتظار گشایش و پیروزی حکومت عدل علوی،

بر حکومت‌های کفر و بیداد، به رهبری ولی عصر 4 است. پس انتظار فرج، انتظار تحقق یافتن آرمان‌های بزرگ عدالت‌خواهی، اصلاح‌طلبی و ظلم‌ستیزی به شمار می‌آید. «انتظار یا آینده‌نگری به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند.»^{۱۲}

انسجام^{۱۳}

در لغت، به معنای جریان آب است. در بلاغت، صفت سخنی است که از پیچیدگی، تهی باشد و همچون آب روان سرازیر شود. در معنای عام، ترکیبی هم‌ساز و ساختمانی زیبا و تربیتی موزون.^{۱۴}

انسجام: به هم پیوستگی^{۱۵}

این اصطلاح در جامعه‌شناسی، برای اشاره به صف‌بندی نزدیک اجزای یک جمع و به موازات اصطلاح «یگانگی» به کار می‌رود. هم‌چنین به کنشی اشاره می‌کند که یک گروه، برای اعضای خود دارد و همه نیروهای انگیزشی که احساس فرد را به گروه تحت تأثیر قرار می‌دهند - اعم از آن که در درون فرد یا بیرون از او ریشه یافته باشند - در نظر می‌گیرد.^{۱۶}

یگانگی اجتماعی^{۱۷}

فرآیند تکمیل و یک‌پارچه کردن، که مرکب از ابعادی است همچون:

۱. یگانگی فرهنگی = تناسب الگوهای هنجاری با یک‌دیگر.
۲. یگانگی هنجاری = مفصل‌بندی الگوهای هنجاری با فرآیندهای انگیزشی به نحوی که منجر به هم‌رنگی شود.
۳. یگانگی ارتباطی = مشارکت و انتقال الگوهای هنجاری میان اعضای یک نظام اجتماعی.

۴. یگانگی کارکردی = پیوستگی ادعاها، انتظاراتها و کنش‌های آشکار.^{۱۸}

گروه اجتماعی^{۱۹}

گروه: تعدادی از افراد که بر اساس روابط متقابل و احساس هم‌بستگی با یک‌دیگر همکاری و هم‌یاری دارند.^{۲۰}
مجموعه‌ای از افراد که به شیوه‌های منظم با یک‌دیگر کنش متقابل دارند، گروه اجتماعی‌اند.^{۲۱}

حزب سیاسی: ^{۲۲} سازمانی که با هدف دستیابی به قدرت حکومتی و استفاده از آن قدرت برای تعقیب برنامه‌ی معینی تأسیس گردیده است.^{۲۳}

مکانیسم انسجام اجتماعی

از منابع اصلی انسجام اجتماعی، سطح رضایت‌مندی است که یک دولت در جامعه

پس انتظار فرج،
انتظار تحقق یافتن
آرمان‌های بزرگ
عدالت‌خواهی،
اصلاح‌طلبی و
ظلم‌ستیزی به شمار
می‌آید.
«انتظار یا آینده‌نگری
به حالت کسی گفته
می‌شود که از وضع
موجود ناراحت است
و برای ایجاد وضع
بهتری تلاش می‌کند»

فراهم می‌آورد. هم‌چنین میزان باورهای اخلاقی و هم‌نوایی در آن فرهنگ است و معنای آن، وجود تمایل به همکاری متقابل در میان افراد و گروه‌هاست.^{۲۴}

بنابراین، انسجام‌هنگامی به دست می‌آید که عواطف افراد به وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شوند. جایی که کنش‌ها تنظیم شده و به وسیله هنجارها هم‌آهنگ شده باشند؛^{۲۵} پس سیر و مکانیسم انسجام‌چنین است:

یکم. انسجام ساخت‌های اجتماعی، مستلزم نظامی از ارزش‌ها و عقاید است که منعکس‌کننده و نمادی‌کننده ساخت جمع است.

دوم. این ارزش‌ها و عقاید، مستلزم کنش‌های دوره‌ای مراسم است، که به‌طور واضح به سوی ثبوت مجدد این ارزش‌ها و عقاید، سخت‌گیری و ساخت‌های اجتماعی متناسب را نمادی کند.

سوم. جماعت‌های بزرگ مانند یک ملت، نیازمند گروه‌های زیرمجموعه‌ای است تا در آن گروه‌ها، ارزش‌ها و عقاید را از راه اعمال و مناسک در میان جماعت واسطه‌ای‌تر افراد قرار داده و تجدید و تثبیت کنند.

در بحث ما، فرهنگ انتظار این ویژگی‌ها را دارد و دولت باید ساختار جامعه را متناسب با آن پی‌ریزی کند. از یک سو برای غنا بخشیدن به مناسک آن، برای مثال دعاهای مهدوی را در جامعه تبلیغ کند؛ مهدی‌باوری را در جامعه نهادینه نماید؛ مهدی‌باوری را به ارزش اجتماعی تبدیل سازد و به آن ارزش دهد. در غنای فرهنگی ارزش‌های مهدوی بکوشد و در کنار آن از آسیب‌های فقر فرهنگی، که تهدیدکننده انتظار راستین است، جلوگیری کند.

نظریه‌ها در هم‌بستگی

کارکردگرایی ساختی

اینان عنوان می‌کنند که جامعه به اهداف مشترک تبیین شده نیاز دارد؛ اهداف مشترک به ایجاد هم‌بستگی در جامعه کمک می‌کند. لذا هر گاه مردم، اهداف نامربوط و غیرمشخص را دنبال کنند، بروز بی‌نظمی در جامعه حتمی است.

پس جامعه به شیوه تنظیم معانی برای دستیابی به اهداف، نیازمند است و نظام‌هنجاری این کارکرد را اجرا می‌کند. بدون تنظیم نظام‌هنجاری، جامعه به بی‌ثباتی و بی‌نظمی و آسیب، مبتلا

می‌شود.^{۲۶}

مبادله

پیتر بلا معتقد است که قدرت، منبعی است که جهت‌گیری و تعاون را ممکن می‌سازد. وی قدرت مشروع را اقتدار می‌نامد و رهبری را شکلی از قدرت می‌داند که مبتنی بر تلاش‌های او در حفظ گروه است. این رهبری وی را قادر می‌سازد حدود و وظایف اعضا را مشخص کند و خدماتی را که لازم است، از آنها بخواهد. همین سبب انسجام گروه‌ها خواهد شد؛ زیرا افراد و گروه‌ها فرامین رهبری را نوعی وظیفه می‌شمارند و هم‌آهنگی رهبری و گروه‌ها، سبب هم‌بستگی آنها می‌شود.^{۲۷}

تقابل‌های اجتماعی (تضاد)

گروه‌های انسانی، هنگامی که آگاهانه دور هم جمع شوند و قسمتی از ابزار شخصی و منابع خود را در اختیار یک مرکزیت مشترک قرار دهند، قدرت لازم را برای پیش‌برد اهداف و علاقه‌های گروهی، محقق می‌سازند. همین وضعیت مشترک علاقه‌ها را می‌توان ایجادکننده گروه‌بندی‌های اجتماعی دانست. تقابل با گروه‌های بیگانه، باعث تقویت ثبات وحدت گروه خودی می‌شود.

جورج زیمل آلمانی (۱۸۸۵ - ۱۹۱۸)، معتقد است که تقابل با تعاون، نوعی آمیختگی همیشگی را تداعی می‌کند. بدین معنا که انسان‌ها با هم توافق می‌کنند که بر اساس روی کردها و هنجارهای مشترک، کجا، چگونه و چه زمانی با هم به مقابله برخیزند. وی ادعا می‌کند که تقابل خارجی، باعث تحکیم هم‌بستگی گروه و تشدید تمرکز می‌شود.^{۲۸}

در مجموع، با توجه به شکل‌گیری‌های احزاب در قرن نوزدهم و بیستم، درمی‌یابیم که آن‌چه موجب هم‌بستگی آنها شده، عمدتاً بر محور مشابهت‌های اجتماعی و گرایش‌های عقیدتی یا مخلوطی از هر دو است.^{۲۹}

حزب و ایدئولوژی

ایدئولوژی را می‌توان به نظامی از افکار مرتبط با هم و نوعی جهان‌بینی تعبیر کرد که راهنمای عمل فرد یا گروهی خواهد بود که از آن پیروی می‌کنند. هم‌چنین پاسخی برای تمامی

پرسش‌های آنها از متافیزیک تا امور سیاسی اجتماعی است. ارتباط حزب و ایدئولوژی، به دو دلیل، امری طبیعی به شمار می‌رود:

یکم. آن که دوره تولد احزاب، به همان سان که دوره منازعه‌های طبقاتی بود، دوره برخورد‌های ایدئولوژیک نیز بود. از این رو نطفه‌های اولیه حزب با نوعی ایدئولوژی گره می‌خورد.

دوم. این که اگر احزاب به منزله واحدهای لازم سیاسی به شمار می‌آیند، همه منتظر خواهند بود ببینند استراتژی آنها چیست؟ آیا استراتژی حزب بر پایه‌های فلسفی و جهان‌بینی درست، بنا شده است؟ به این ترتیب، اگر برای ایدئولوژی از نظر انسجام و فراگیری، درجاتی قائل باشیم، می‌توان چنین تصور کرد که هیچ خبری را نمی‌توان یافت که حامل هیچ اندیشه‌ای نباشد. ادموند برک معتقد است:

حزب، عبارت است از مجموعه سازمان‌یافته‌ای از انسان‌های متحد که قصد دارند منافع ملی را بر اساس اصول خاصی که بر سر آن با هم به توافق رسیده‌اند، محقق سازند.^{۳۰}

از سویی دیگر، دین اصل وحدت‌بخش و زمینه‌ساز هم‌بستگی است، که اگر نبود، اختلاف‌های فردی تنازعات سیاسی گروه‌های سیاسی و اجتماعی، انسجام جامعه را از میان می‌برد. دین به گروه‌ها و انسان‌ها، جهت می‌دهد تا برای رسیدن به قدرت سیاسی از ابزارهای مشروع استفاده کنند و جامعه را به یک نظام اعتقادی مشترک فراخوانند و قدرت را نه هدف، بلکه ابزاری برای تکامل و «یگانگی» می‌داند. بنابراین، به تعبیر «دور کیم» از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی، قدرت اخلاقی جامعه آشکار و احساسات اجتماعی تقویت می‌شوند.^{۳۱} پس دین به عنوان مجموعه ارزش‌ها و هنجارها و باورها، نقش مهمی در «هم‌بستگی اجتماعی» دارد.

اسلام و هم‌بستگی اجتماعی^{۳۲}

اسلام در پی آن است که انسان‌ها بر اساس تأمین مصالح مادی و معنوی‌شان، با هم متحد شوند و جامعه واحدی را تشکیل دهند. اسلام تلاش دارد که بر محوریت دین حق، اتحاد تحقق پیدا کند؛ لذا در قرآن آمده:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا)^{۳۳}

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید.

در اسلام ارزش هم‌بستگی، به محوریت حق و مصالح معنوی است:

(وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ

عَذَابٌ عَظِيمٌ)^{۳۴}

و چون کسانی مباشید که پس از آن که دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند، و برای آنان عذابی سهمگین است.

اسلام در پی آن است که انسان‌ها بر اساس تأمین مصالح مادی و معنوی‌شان، با هم متحد شوند و جامعه واحدی را تشکیل دهند. اسلام تلاش دارد که بر محوریت دین حق، اتحاد تحقق پیدا کند

قرآن منشأ اصلی تفرقه را تفرقه در دین معرفی می‌کند. بنابراین، هم‌بستگی از لوازم دعوت به صراط مستقیم است:

(وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ)^{۳۵}

و [بدانید] این است راه راست من؛ پس، از آن پیروی کنید. و از راه‌ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی مکنید.

پس دین اسلام، جامعه را به سوی هم‌بستگی دعوت می‌کند:

(وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)^{۳۶}

و میان دل‌هایشان الفت انداخت، که اگر آن‌چه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت، چرا که او توانای حکیم است.

ولایت، مبنای وحدت

پذیرش ولایت خدا و رسول اکرم ﷺ، سرچشمه «وحدت و یگانگی» و مودت میان مسلمانان است. ولایت اولی الامر، در واقع ادامهٔ ولایت الهی و تسلیم شدن در برابر اوامر الهی است. قرآن در موارد گوناگون، به‌ویژه در طرح توحید و نفی شرک، بر نقش محوری ولایت تأکید کرده است. تعبیر «حزب‌الله» از صریح‌ترین تعبیرها برای پذیرفتگان ولایت الهی، گواه بر آن است:

(إِنَّا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ)^{۳۷}

ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود بدانند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیروز‌مندانند.

آموزه‌های اسلام درباره انسجام اجتماعی مسلمانان، همواره

بر رفع اختلاف و تمسک به عروة الوثقی تأکید دارد. هم‌چنین مسلمانان را از تنازع و تفرقه به مسیر مستقیم فطرت و توحید سوق می‌دهد. اعتصام به حبل الله، پایه و اساس وحدت مسلمانان معرفی شده است: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا)^{۳۸}

امت اسلامی، «امت واحده» است: (وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ)^{۳۹}

ائمة اطهار : در سیره و روایه خود، همواره مسلمانان را به اتحاد و هم‌بستگی دعوت و مؤمنان را به شرکت در جماعت عامهٔ مسلمین تشویق و ترغیب می‌کردند. آنان تفرقه را عامل هلاکت جامعه می‌دانستند. امام کاظم 7 عامل هلاکت جامعه را «فراق الجماعة»^{۴۰} (فاصله گرفتن و جدایی از جامعه و جماعت) بیان می‌کنند.^{۴۱}

انتظار و هم‌بستگی اجتماعی

هر جامعه‌ای همواره در پی عوامل هم‌نوایی و استحکام نظم اجتماعی است و عوامل اختلاف را طرد می‌کند. در مکتب تشیع، «فرهنگ انتظار» به‌منزلهٔ فراتثوری است که به همهٔ ابعاد فردی و اجتماعی توجه کرده و گروه‌ها و احزاب را جهت‌دهی و به هم‌بستگی اجتماعی راهنمایی و تشویق می‌کند.

با فراگیر شدن این فرهنگ در جامعه، نه‌تنها بر تعداد منتظران عاشق مهدی 4 افزوده می‌شود، بلکه پذیرش ارزش‌های مهدوی نیز همگانی می‌گردد، زیرا هم‌نوایی فرآیندی است روانی - اجتماعی که با کمک آن شخص، همان نگرش‌ها و ارزش‌ها را می‌پذیرد که دیگر افراد صاحب نفوذ و گروه‌های سیاسی - اجتماعی در محیط اجتماعی و پیرامونش پذیرفته‌اند.^{۴۲}

انتظار فرج نیز امت اسلامی را بر اساس مهرورزی و اخوت اسلامی به سوی سعادت اجتماعی در سایهٔ تشکیل حکومت واحد جهانی سوق می‌دهد و بر تعمیق روحیهٔ تعاون و انسجام می‌افزاید. تلاش و سازندگی‌های ناشی از انتظار فرج در زندگی عمومی جامعه تأثیر بسیار مثبت دارد؛ زیرا تربیت افراد و تجهیز آنان، جامعه را به سوی آرمان‌های متعالی پیش می‌برد و حرارت و جان تازه‌ای به منتظران می‌بخشد و روحیهٔ پایداری و مقاومت را بالا برده در نتیجه، آسایش نسبی برای همگان فراهم می‌آورد.

فرهنگ انتظار، راه‌بردی است امیدبخش و سازنده که با دعوت

مؤمنان به ظهور منجی مصلح و عدالت‌گستر الهی، بشر را به حکومت واحد جهانی آن مصلح عدالت‌گستر و وحدت دینی، وحدت نظام، وحدت قانون و وحدت جامعه بشری هدایت می‌کند.

انتظار موعود در ادیان الهی، امری فطرتی تلقی شده که از جمله در زبور داوود 7 در کتاب‌های عهد قدیم و عهد جدید حضرت موسی و عیسی 7 و در کتاب زند زرتشت پیامبر و کتاب آسمانی هندوان (باسک) و در باورهای بوداییان و دیگر مذاهب گوناگون به همین جهت (فطری بودن) ذکر شده و در قرآن کریم نیز وعده داده شده است.

مهم‌ترین اثر انتظار موعود در ادیان الهی، تجلی توحید و آثار سیاسی و اجتماعی ناشی از آن است. از جمله اموری که تجلی توحید را در ظهور مهدی 4 روشن می‌سازد، آن است که اهداف توحیدی الهی، مانند وحدت حکومت، نظام، قانون، دین و جامعه به وسیله آن حضرت تحقق می‌یابد.

انتظار در جنبه‌های گوناگون حیات انسانی، آثاری ژرف می‌گذارد و بیشترین اثرگذاری آن در بعد تعهدها و مسئولیت‌های اجتماعی و احساس دیگرخواهی و انسان‌دوستی، عینیت می‌یابد. انسان منتظر پیوندی گسست‌ناپذیر با اهداف و آرمان‌های امام منتظر و موعود خود دارد و در آن راستا گام برمی‌دارد. به این ترتیب، هم‌سان و هم‌سوی آن اهداف حرکت می‌کند و همه جهت‌گیری‌ها و گرایش‌ها و گزینش‌هایش در آن چارچوب قرار می‌گیرد. از آن‌جا که سنت و سلوک رفتار امامان معصوم 7 همواره دعوت به هم‌بستگی بوده است، سزاوار است که مریدان نیز همان راه را ادامه دهند.

با اعتقاد به مهدی منتظر و حرکت در چارچوب اهداف حکومت واحد جهانی حضرت، منتظران ظهور، خاصه دولت زمینه‌ساز، باید در جهت رضای حضرت، مشی نمایند و انسجام جامعه منتظر را جزو مسئولیت‌های اجتماعی و از لوازم جدایی‌ناپذیر آن بدانند و از هر عمل سیاسی که به هم‌بستگی خللی وارد کند پرهیزند.^{۳۳}

بشر در سایه انتظار، خواستار آن است که خیانت‌ها و جدایی‌ها از جامعه رخت بربندد. تضادهای سیاسی خودساخته، محو گردند و کره خاکی را خانه‌ای واحد قرار دهند. جامعه بشری، چون اعضای یک خانواده، نسبت به هم دل‌سوزی داشته باشند. حکومت در چارچوب مقررات واحد مذهبی و نظام واحد سیاسی عادلانه برقرار باشد؛ حکومتی که مروج وحدت، تعاون، همکاری و مهرورزی است.

پس انتظار، عاملی برای زمینه‌سازی جهت ایجاد، تحول، خودسازی و جامعه‌سازی است، و چشم‌داشتی به تعمیم انقلابی عظیم، با تکیه بر تلاش و کوششی است که در سایه آن، برادری، استقرار حق و عدل و وحدت در اندیشه، عمل و پیش‌رفت به سوی سعادت بشری متصور است.

انتظار و یگانگی هنجاری

با توجه به آیات و تأکیدات قرآن بر نبود تفرقه و هم‌چنین سنت و سیره عملی

بشر در سایه انتظار، خواستار آن است که خیانت‌ها و جدایی‌ها از جامعه رخت بربندد. تضادهای سیاسی خودساخته، محو گردند و کره خاکی را خانه‌ای واحد قرار دهند. جامعه بشری، چون اعضای یک خانواده، نسبت به هم دل‌سوزی داشته باشند. حکومت در چارچوب مقررات واحد مذهبی و نظام واحد سیاسی عادلانه برقرار باشد؛ حکومتی که مروج وحدت، تعاون، همکاری و مهرورزی است

نبوی ﷺ و ائمه اطهار ؛ دعوت به وحدت و انسجام و لزوم حفظ آن، تنها یک توصیه اجتماعی و نیاز مقطعی و تاکتیک سیاسی و اقدام عملی برای حفظ منافع مشترک نیست، بلکه تلاش برای حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه، واجب عینی است که ریشه در اعتقاد به وحدانیت الهی دارد. به تعبیر جامعه‌شناسی، وحدت، هنجار پذیرفته شده‌ای از سوی مسلمانان به شمار می‌رود و اسلوب و متد رفتار پیامبر ﷺ، مؤید آن است. از میان برداشتن اختلاف قبیله‌های اوس و خزرج، ایجاد مسجد برای نماز جماعت و جمعه، پیمان اخوت بین مهاجر و انصار و... همه، نمونه‌هایی از وجود و پذیرش این هنجار اجتماعی است که به هم‌نوایی مسلمانان می‌انجامید.

در دوران غیبت حضرت ولی‌عصر 4 نیز زمینه‌سازی تشکیل حکومت واحد جهانی از وظایف منتظران است. هم‌چنین برای آمادگی اجتماعی جامعه باید آموزه‌های منجی جهانی، فراگیر شود و شعاع نفوذ این اندیشه نه‌تنها در دل‌ها، بلکه در جوامع، گسترده و منتشر گردد؛ بینش‌ها اصلاح شود، و همه خود را برای رسالت عظیم تشکیل دولت بزرگ اسلامی مهیا کنند.^{۴۴}

انتظار و یگانگی فرهنگی

هر اجتماع، متشکل از افرادی است که با رفتارهای نظام‌یافته خود در جهت دستیابی به آرمان‌های مورد نظر، نهادهای گوناگونی را شکل می‌دهند که با هم، پیوندی تکوینی و ضروری برقرار می‌کنند.

در انقلاب جهانی موعود نیز آرمان‌های جهانی و ایده‌آل‌های مهدوی، در جان منتظران در قالب باور و معرفت نوینی که به هستی پیدا می‌شود، جوانه می‌زند و از آن پس در قلمرو و آرمانی خاص، مراتب ظهور و بروز خود را تا مرحله حذف نظام تفرقه و تنازعات سیاسی موجود و تحقق حکومت جهانی حضرت ولی‌عصر 4 ادامه می‌دهد.

از آن‌جا که وحدت و انسجام افراد در رفتارهای فردی و اجتماعی، بر اساس آرمان‌ها و هدف‌های آن شکل می‌گیرد و آرمان‌ها خود نیز تابع نحوه شناخت افراد نسبت به انسان و جهان است، انسجام و در نتیجه قدرت و اقتدار نیروی مذهبی بر اساس معرفت مذهبی پدیدار می‌شود.^{۴۵}

بنابراین، باید جهان‌بینی واحدی بر جامعه حاکم باشد تا انسجام پولادین و وحدتی خلل‌ناپذیر در جامعه پدید آید تا امت واحده به معنای واقعی کلمه تحقق یابد. با توجه به این اصل، باید برنامه‌ای جامع بر جامعه حاکم باشد تا وحدت اجتماعی ماندگار گردد.^{۴۶}

۱. مهدی موعود 4، منادی وحدت

حضرت حجت 4 مأموریت دارد که ریشه نفاق و تفرقه را از بن برکند و مفسد را از میان بردارد. پراکندگی‌ها را به وحدت و جمع مبدل سازد و نظام اجتماعی را بر اساس قوانین دین اسلام، انتظام بخشد و سروسامان دهد. حال که حضرت مهدی 4 الگوی وحدت است و به سوی وحدت دعوت می‌کند، دولت زمینه‌ساز نیز باید در جهت آن آرمان‌ها، زیرساخت‌های حکومتی را پایه‌ریزی نموده و فرهنگ انتظار را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهد.

اللهم إنا نرغب إليك في دولة كريمة تعز بها الإسلام و أهله و تذلل بها النفاق و أهله.^{۴۷}

۲. تشکیل حکومت واحد

جهان در عصر مهدوی از هم‌بستگی و ارتباط وسیعی بهره‌مند است. به‌گونه‌ای که ارتباط افراد آن صمیمی و بی‌غل و غش است و دولت اسلامی با بهره‌گیری از قانون قرآن و به‌کار بستن دقیق آموزه‌های آن، بر زمین استقرار می‌یابد.^{۴۸} امام مهدی 4 وحدتی واقعی بر اساس اصول توحید، پی‌ریزی می‌کند و همه انسان‌ها را در زیر شعار یگانه و دین واحد گرد هم می‌آورد.

بنابراین، شیعه همواره در آماده‌باش برای تشکیل حکومت جهانی واحد، تحت رهبری حضرت ولی‌عصر 4، در انتظار به سر می‌برد. از همین روست که در تمام فعالیت‌های خود، باید این هدف را مدنظر قرار دهد.

پس انسجام و یگانگی فرهنگی به وسیله دعوت حضرت ولی‌عصر 4 به اتحاد و با تشکیل حکومت واحد جهانی، تحقق پیدا می‌کند. اهل بیت ؛ در روایات بر این موضوع تأکید کرده‌اند. در روایتی از امیرالمؤمنین 7 چنین نقل شده است:

یا مالک بن ضمره! کیف أنت إذا اختلفت الشيعة...؟
فقلت يا أمير المؤمنين! ما عند ذلك من خير؟ قال:

الخير كله عند ذلك يا مالک! عند ذلك يقوم قائمنا... ثم يجمعهم على أمر واحد؛^{۴۹}

ای مالک بن زمره! چگونه خواهی بود، هنگامی که شیعه اختلاف کنند؟ گفتم: یا امیر المؤمنین! در این زمان خیری نیست؟ حضرت فرمود: تمام نیکی در این روزگار است. ای مالک! در این زمان قائم ما قیام می‌کند و همه را بر محور یک عقیده گرد هم می‌آورد.

آثار هم‌بستگی اجتماعی بین گروه‌های سیاسی - اجتماعی

انتظار فرج جهت‌دهنده قدرت در میان گروه‌های سیاسی - مذهبی است و آنان را به سوی امت واحد می‌کشاند. افراد جامعه را نیز با وجود علاقه‌ها و سلیقه‌های گوناگون، به یک‌دیگر نزدیک می‌کند. از عمده‌ترین آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کارآمدی و تثبیت نظام سیاسی اسلام

در جامعه، هرچه انسجام و یک‌پارچگی بین افراد و گروه‌های سیاسی - مذهبی بیشتر باشد، آن نظام و جامعه از ثبات و کارآمدی بیشتری بهره‌مند است. وحدت اسلامی بر توان‌مندی و استحکام جامعه در مواجهه با دشواری‌ها، بحران‌ها و برخورد با دشمنان خارجی می‌افزاید؛ قرآن کریم تأکید می‌کند که وحدت مایه استواری و نیرومندی، اما اختلاف، سبب شکست و سستی و از کف دادن قدرت و قوت است.^{۵۰}

۲. تعاون و همکاری

در سایه هم‌گرایی میان گروه‌ها و افراد جامعه، روحیه تعاون و همکاری برخاسته از فرهنگ و آموزه‌های انتظار، بیشتر فراگیر و نهادینه می‌شود. انتظار، افراد امت اسلامی را به سوی وضعیت آماده‌باش همیشگی برای پیوستن به سپاه ولی عصر^۴ و کسب آمادگی کامل برای جان‌بازی و فداکاری در راه تثبیت تسلط حضرت بر اوضاع و گسترش قلمرو حکومت وی فرامی‌خواند. بنابراین، بر تعمیق روحیه تعاون و انسجام و هم‌بستگی مؤمنان می‌افزاید.^{۵۱}

۳. استقلال، عزت و اقتدار کشور

راه‌کار تضمین استقلال و عزت هر کشور، تابعی از هم‌بستگی افراد آن جامعه است. جامعه‌ای که فرهنگ انتظار در آن نهادینه شده باشد و گروه‌های سیاسی، خود را موظف به زمینه‌سازی ظهور امام زمان^۴ بدانند و قدرت را نیز وسیله و ابزاری برای تشکیل امت واحد بدانند، همه در راه عزت و آبادانی آن در تلاش خواهند کرد. هم‌چنان که در دعای عهد در هر بامداد با امام خود عهد می‌بندند که آرمان‌ها و اهداف حضرت را پی‌گیری کنند و در جهت استقلال و عزت جامعه مسلمانان از هیچ کوششی دریغ ننمایند. مردم در سایه اتحاد و هم‌بستگی می‌توانند موانع را از سر راه خود بردارند و به مقصود و اهداف متعالی برسند. حضرت علی^۷ می‌فرماید:

هیچ ملتی درباره انجام کاری با هم متحد نشد، جز این‌که نیرو گرفت و قدرت

در جامعه، هرچه انسجام و یک‌پارچگی بین افراد و گروه‌های سیاسی - مذهبی بیشتر باشد، آن نظام و جامعه از ثبات و کارآمدی بیشتری بهره‌مند است. وحدت اسلامی بر توان‌مندی و استحکام جامعه در مواجهه با دشواری‌ها، بحران‌ها و برخورد با دشمنان خارجی می‌افزاید؛ قرآن کریم تأکید می‌کند که وحدت مایه استواری و نیرومندی، اما اختلاف، سبب شکست و سستی و از کف دادن قدرت و قوت است

پیدا کرد و هیچ ملتی از این قدرت، بهره نگرفت، مگر این که خداوند گرفتاری آنان را برطرف کرد و آنها را از بلای ذلت نجات داد و معالم و نشانه‌های دین را به آنها نمایاند.^{۵۲}

۴. ظلم‌ستیزی و مهرورزی

فرهنگ انتظار، آموزهٔ ظلم‌ستیزی و دشمن‌ستیزی را در مؤمنان بارور می‌کند و در موارد گوناگون به آن اهتمام می‌ورزد. در مقابل، در میان افراد جامعهٔ اسلامی و گروه‌های سیاسی، مهرورزی را ترویج می‌دهد. به همین سبب، یک‌پارچه و منسجم می‌شوند و مسیر ارتباط و دوستی با دشمنان را برای رسیدن به قدرت سد می‌کند.^{۵۳}

پس وحدت اسلامی، فراهم‌کنندهٔ قدرتی حقیقی است که پس از خداوند متعال، می‌تواند تکیه‌گاه استواری برای مسلمانان در رویارویی‌های فرهنگ‌ها باشد. انسجام اسلامی در پرتو فرهنگ غنی انتظار، می‌تواند زمینه‌های رشد و پیش‌رفت را در تمامی جنبه‌های مادی و معنوی فراهم سازد. بنابراین، سرمشق بودن و توانایی دیدگاه اسلامی را بر حل مشکلات اجتماعی اثبات می‌کند.^{۵۴}

مسئولیت‌های دولت زمینه‌ساز ظهور

۱. جامعه‌پذیری گروه‌های سیاسی-مذهبی

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن، فعالیتی است که انسان بدون شخصیت خاص و بدون هویت خاص را که فردی غیراجتماعی و فاقد ویژگی مشخصی است، به فردی اجتماعی، دارای شخصیت مشخص و هویتی متمایز از دیگران تبدیل می‌کند. امروزه، از عمده‌ترین مسائلی که مورد توجه قرار می‌گیرد، بحث جامعه‌پذیری یا به عبارتی، آشنا کردن افراد یک جامعه با ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و آداب و رسوم آن جامعه است. هر قدر جامعه‌پذیری در یک جامعه بهتر و موفق‌تر صورت گیرد، یگانگی اجتماعی بیشتر و در پی آن انسجام اجتماعی مستحکمی میان مردم به وجود می‌آید. در نتیجه، افراد بهتر می‌توانند به اهداف از پیش تعیین شده خویش دست یابند و به این ترتیب، جامعه به سوی توسعهٔ پایدار حرکت می‌کند. از این روست که فعالیت جامعه‌پذیری و تمام بخش‌های

آن، یعنی منابع، مکانیسم‌ها و محتوای آن حایز اهمیت است.^{۵۵} پس جامعه‌پذیری، فرآیندی است که انسان‌ها از راه آن، شیوه‌های زندگی را فرامی‌گیرند، شخصیت می‌یابند و آمادگی عمل‌کرد در جامعه را به دست می‌آورند. انسان‌ها از راه درونی ساختن فرآیند اجتماعی شدن، یاد می‌گیرند که چگونه باید نیازهای زیستی بنیادی‌شان را به شیوه‌ای از نظر اجتماعی مقبول، برآورده سازند.^{۵۶}

جامعه‌شناسان، چند چیز را از عوامل اجتماعی شدن برشمرده‌اند: خانواده، مدرسه، گروه هم‌سالان و رسانه‌های همگانی اجتماعی کردن، فرآیندی است که در آن، افراد جامعه، ارزش‌ها، عقاید و الگوهای فکری و عملی جامعه خویش را فرامی‌گیرند. انتظار فرج، امید به آینده، پایان ظلم و ستم و سیاهی‌ها، ختم نابرابری‌های اجتماعی، از میان رفتن نظام طبقاتی و فراگیر شدن عدالت، از آرزوهای بنیادین معتقدان به ادیان آسمانی است. در تفکر و اندیشه اسلام نیز انتظار فرج قائم آل محمد 4، عامل تحرک و پویایی جامعه در سطح بین‌المللی و جهانی است. لازمه عدالت اجتماعی، چه در بعد سیاسی یا اقتصادی آن، این است که حکومت و همه قواعد و برنامه‌هایش، برخاسته از متن اجتماع و به دور از تبعیض باشد که زمینه‌های تحقق این نوع عدالت را رفتار حکومت و برنامه‌ریزان و همین‌طور رفتار شهروندان معین می‌سازد و در آن امنیت، عزت و علو مسلمانان دنبال می‌گردد.

جامعه‌پذیری از دو دیدگاه قابل توجه است:

۱. عینی: از دیدگاه جامعه‌ای که بر فرد اثر می‌گذارد. جامعه‌پذیری عینی، فرآیندی است که به موجب آن، دولت منتظر باید فرهنگ انتظار را نشر دهد، به گونه‌ای که بر اساس نظریه سرایت، واکنش‌ها در جامعه سرایت کند تا انتظار از حالت فردی درآمده و جمعی و فراگیر شود. بسترسازی این عمل نیز از وظایف مهمی است که متوجه علما و مسئولان فرهنگی است.

۲. ذهنی: از دیدگاه فردی که به تأثیر جامعه پاسخ می‌دهد.^{۵۷} فرد خود را با محیط اجتماعی - فرهنگی مورد نظر، سازگار می‌کند و ارزش‌های پذیرفته شده این فرهنگ را در خود نهادینه می‌سازد. همان‌گونه که امام راحل فرمود که وجود امام زمان 4 را بر خویش ناظر می‌بیند و خویش‌تن را متعهد می‌داند که در آن راستا حرکت کند.

ثمره این عدالت اجتماعی، عدالت فرهنگی، اقتصادی و قضایی خواهد بود؛ ولی توجه به عدالت اجتماعی در حکومت مهدوی باعث نخواهد شد که عدالت سیاسی فراموش شود، بلکه با توجه به مفهوم روی کرد به سیاست در دکترین مهدویت، عدالت سیاسی روی کردی غایت‌گرایانه و فضیلت‌گرایانه است. بر اساس آموزه‌های دینی، سعادت، غایت حرکت انسان است و بنیادی است شرعی و اخلاقی که در آن مساوات، عدالت عام، تشریحی و... دنبال می‌شود. سعادت، خود‌الگویی برای توسعه سیاسی در جامعه مهدوی نیز دارد. از آن جمله می‌توان به مشارکت سیاسی فعال و معتقد و توسعه سیاسی عدالت‌محور اشاره کرد.

۲. کنترل اجتماعی

جامعه‌پذیری با کنترل اجتماعی و نظارت، رابطه مستقیمی دارد. چنان‌چه نظارت ضعیف باشد، به بی‌تأثیری یا کم‌تأثیری فرآیند اجتماعی کردن می‌انجامد.^{۵۸} وجود نظارت، منجر به تأثیر عمیق بر فرد در واکنش‌های فردی و اجتماعی می‌گردد. در فرهنگ انتظار نیز شخص منتظر، امام زمان 4 را شاهد و ناظر^{۵۹} بر اعمال خود می‌بیند و خود را متعهد می‌کند که اعمال خویش را هم‌سو با حضرتش کند. انتظار فرج در جامعه، موجب وحدت خواهد شد و آن‌چه این وحدت را خدشه‌دار کند، اعم از کج‌روی و ناهنجاری منتظران، طرد می‌شود.

دسته‌ای از جامعه‌شناسان، ریشه کج‌روی و ناهنجاری‌ها را در جامعه جست‌وجو می‌کنند و نه افراد. بنابراین، در پی راه‌حلی هستند تا از ارتکاب روزافزون کج‌روی و جرایم جلوگیری کنند. آنان معتقدند که مجازات و شکنجه، جلوی ارتکاب جرایم را نگرفته است و آموزش، در کنترل و مهار جرایم نقش اصلی را دارد.^{۶۰}

برخی دیگر از جامعه‌شناسان، برای تبیین عوامل مؤثر بر رفتار انحرافی بر اساس اجتماعی شدن نارسا، معتقدند که یکی از شیوه‌های برخورد با موضوع انحراف، تبیین نتیجه نارسایی‌های موجود بین فرهنگ و ساختار اجتماعی جامعه است. جامعه نه فقط به لحاظ فرهنگی، هدف‌های مجاز و معینی است، بلکه افزون بر آن، به لحاظ اجتماعی نیز ابزارهای تأییدشده‌ای برای رسیدن به آن اهداف است. هرگاه فرد به این وسایل دست پیدا نکند، احتمال بروز رفتار انحرافی و کج‌روی در او وجود خواهد داشت.^{۶۱} در نتیجه، هم‌بستگی جامعه از میان می‌رود.

اگر فرهنگ انتظار به‌طور صحیح در مدارس و مؤسسه‌های علمی و آموزشی و به‌طور کلی، در جامعه تبلیغ و نهادینه شود و ارزش‌های آن از حوزه نظری به متن جامعه منتقل گردد، جامعه منتظر می‌تواند نهادها و ساختار خود را متناسب با فرهنگ غنی انتظار، سامان بخشد و نظام اجتماعی خود را با انتظار، هم‌سو و همراه سازد. چنین جامعه‌ای ابزارهای رسیدن به جامعه موعود و مطلوب را در اختیار افراد قرار می‌دهد؛ آرمان‌های انتظار در اجتماع نهادینه می‌شود و با پیش رفتن به سوی هم‌بستگی، تفرقه از جامعه رخت

در فرهنگ انتظار
شخص منتظر، امام
زمان 4 را شاهد و
ناظر^{۵۹} بر اعمال خود
می‌بیند و خود را متعهد
می‌کند که اعمال خویش
را هم‌سو با حضرتش
کند. انتظار فرج در
جامعه، موجب وحدت
خواهد شد و آن‌چه این
وحدت را خدشه‌دار
کند، اعم از کج‌روی و
ناهنجاری منتظران،
طرد می‌شود

برمی‌بندد. برای نمونه، یکی از آموزه‌های انتظار، رعایت عدالت و اجرای قوانین به صورت عادلانه برای همه است که از آرمان‌های موعود مهدوی به شمار می‌آید. حضرت علی 7 می‌فرماید:

الحادي عشر من وُلدي هو المهدي الذي يملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً؛^{۶۲}

یازدهمین فرزند من، مهدی است؛ او کسی است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، پس از آن‌که از ستم و ظلم پر شده است.

احساس عدالت اجتماعی، انگیزه مناسبی برای جلوگیری از ارتکاب جرم و ناهنجاری است.^{۶۳} پس با گسترش فرهنگ انتظار در جامعه، می‌توان به هم‌نوایی رسید؛ زیرا اگر ارزش‌های متعالی آن فراگیر شود و منتظران، گروه اکثریت در جامعه باشند، ارزش‌های انتظار نیز فراگیر و هم‌نوایی به دست می‌آید. هم‌نوایی، فرآیندی است روانی - اجتماعی که با آن، شخص همان نگرش‌ها، کردارها و عادات و آداب زندگی و اندیشه‌ای را می‌پذیرد که افراد مسلط در محیط اجتماعی پیرامونش پذیرفته‌اند. بنابراین، هنجارها و مدل‌های رفتاری غالب، زمینه هم‌نوایی را فراهم می‌سازد. کنترل اجتماعی نیز که در جهت رعایت ارزش‌هایی یک‌سان و رفتاری مشابه اعمال می‌شود، عامل مهمی در ایجاد هم‌نوایی است.^{۶۴}

پس انتظار، تعهدآفرین و تحرک‌بخش است و منتظران را به تکاپو و تلاش وامی‌دارد تا در برابر جامعه، احساس مسئولیت داشته باشند و زمینه‌های ناهنجاری دینی را از میان ببرند. دولت زمینه‌ساز ظهور هم با نظارت بر رفتار افراد و تهیه ابزارهای لازم جهت سالم‌سازی محیط اجتماعی، انجام دادن ناهنجاری را دشوار می‌کند تا هزینه ناهنجاری زیاد شود و کسی به این کار رغبت نداشته باشد. در مقابل، هنجارهای مهدوی را در جامعه نهادینه و در جهت تثبیت آن، برنامه‌ریزی می‌کند. پس همه باید به وظایف خویش در قبال امام زمان 4 وفادار باشیم تا به سعادت دیدار برسیم.

حضرت مهدی 4 می‌فرماید:

لو أنّ أشياعنا - وفقهم الله لطاعته - على اجتماع من القلوب في الوفاء بالعهد عليهم، لما تأخر عنهم اليمين بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة و صدقها منهم بنا.^{۶۵}

نتیجه

مشخص شد که انسجام اجتماعی، فرایندی چند بُعدی است و از یگانگی فرهنگی و هنجاری و ارتباطی و کارکردی، تشکیل شده است. بنابراین، انسجام ساخت‌های اجتماعی مستلزم نظامی از ارزش‌ها و عقاید است که منعکس کننده و نمادی کننده ساخت جمع است.

انتظار فرج نقش مهمی در انسجام اجتماعی گروه‌های سیاسی ایفا می‌کند. اگر فرهنگ انتظار - که امری فطری است و در اسلام و به‌ویژه تشیع بر اهمیت آن تأکید شده - به‌گونه‌ای صحیح در مراکز علمی، آموزشی، مدارس و به‌طور کلی در جامعه تبلیغ و نهادینه شود و ارزش‌های آن از حوزه نظری به متن جامعه منتقل گردد، جامعه منتظم می‌تواند نهادها و ساختار خود را متناسب با آن سامان بخشد و نظام اجتماعی خود را با انتظار هم‌سو و همراه سازد.

بر اساس هنجارهای مهدوی، گروه‌های سیاسی خود را متعهد به آرمان‌های مهدوی دانسته و سیره وحدت‌گرایی را الگوی خود قرار می‌دهند و برای تشکیل حکومت جهانی، به سوی هم‌نوایی اجتماعی مهدوی حرکت می‌کنند. دولت زمینه‌ساز باید برای نهادینه کردن فرهنگ انتظار به چند نکته توجه داشته باشد:

یکم. برنامه‌ای منظم، جامع و راه‌بردی را برای خود تعریف کند که در آن، اهداف، مسیر حرکت و سیاست‌گذاری‌ها بر اساس دکترین انتظار طراحی شود.

دوم. در مرحله اجرا نیز با تخصیص منابع و تشکیل کارگروه‌های لازم، با همکاری حوزه علمی قم، در هر بخش و وزارتخانه مربوطه، نظارت و کنترل مستمری بر فعالیت‌های مهدوی داشته باشد.

سوم. با نشر و گسترش نظام ارزشی مهدویت و مشخص کردن معیارها برای جامعه، در جهت تقویت باور جامعه به هنجارهای مهدویت و نهادینه شدن انتظار، از فقر فرهنگی در این زمینه کاسته و زمینه آسیب‌ها و در دام افتادن را به روی فرصت‌طلبان ببندد و با تشکیل کارگروه آسیب‌شناسی، فعالیت‌های هر کارگروه را همواره نقد و بررسی کند و در راستای پیش‌گیری از فتابخشی به فرهنگ انتظار اجتماعی بکوشد.

پی‌نوشت‌ها

- * کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، عضو گروه جامعه‌شناسی پژوهشکده مهدویت.
- ۱ . نک: علی اخترشهر، مؤلفه‌های جامعه‌پندیری سیاسی در حکومت دینی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ش.
 - ۲ . هادی علی، ساختار سیاسی اسلام و تعدد احزاب، ترجمه: حامد بهرامی، ص ۱۴، تهران: نشر احسان، ۱۳۷۹ش.
 - ۳ . حجت‌الله ایوبی، پیدایی و بایایی احزاب سیاسی در غرب، ص ۱۵، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۹ش.
 - ۴ . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: منصور پهلوان، ج ۱، ص ۲۸۷، قم: انتشارات جمکران، چاپ سوم، ۱۳۸۴ش.
 - ۵ . سید محمدباقر صدر، امام مهدی حماسه‌ای از نور، مقدمه، تهران: مؤسسه الامام المهدی، ۱۳۹۸ق.
 - ۶ . پیام نوروزی سال ۱۳۸۶.
 - ۷ . سخن‌رانی در مشهد مقدس، فروردین ۱۳۸۶.
 - ۸ . محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۳۶۴، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱ش.

۹. ابراهیم مصطفی و... المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۹۳۲، استانبول، انتشارات دارالدعوة، بی تا.
۱۰. مألوف لویس، منجد الطلاب، ترجمه: محمد بندریگی، ص ۵۹۱، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. همان، ص ۴۱۲.
۱۲. ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۸۵، قم: انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. Harmony.
۱۴. جمیل صلیبا، واژه نامه فلسفه و علوم اجتماعی، ترجمه: کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، ص ۵۱۸، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۵. Cohesion.
۱۶. جولیس گولد، ویلیام کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: محمدجواد زاهدی، ص ۹۰۴، تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۷۶ ش.
۱۷. Socialinte gration.
۱۸. فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۹۳۲ - ۹۳۳.
۱۹. Social Group.
۲۰. محمدرسل گلشن فومنی، پویایی گروه و سنجش آن، ص ۱۸، بی جا، نشر شیفته، ۱۳۷۲ ش.
۲۱. آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، ص ۷۸۵، تهران: نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۷۷ ش.
۲۲. Political Party.
۲۳. جامعه شناسی، ص ۸۱۰.
۲۴. آلبین گولدنر، بحران جامعه شناسی غرب، ترجمه: فریده ممتاز، ص ۳۱۲، تهران، بی نا، ۱۳۶۸ ش.
۲۵. جان اتان. اچ. ترنر، ال بیگلی، پیدایش نظریه جامعه شناسی، ترجمه: عبدالعلی لهسانی زاده، ص ۴۴۶، شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۸۴ ش.
۲۶. جورج ریترز، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محمدصادق مهدوی، ص ۵۹ - ۶۰، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴ ش.
۲۷. غلام عباس توسلی، نظریه های جامعه شناسی، ص ۴۲۴ - ۴۲۵، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۶۹ ش.
۲۸. لوئیس آ. کوزر، نظریه تقابل های اجتماعی، ترجمه: عبدالرضا نواح، ص ۱۱ و ۱۶۹، اهواز: نشر رسن، ۱۳۸۴ ش.
۲۹. احمد نقیب زاده، حزب سیاسی و عمل کردن در جوامع امروز، ص ۴۴، تهران: نشر دادگستر و نشر میزان، ۱۳۷۸ ش.
۳۰. همان، ص ۴۶.
۳۱. ملکم هملتون، جامعه شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، ص ۱۷۶، تهران: انتشارات تبیان.
۳۲. نک: محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۹۹ - ۱۰۶، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۳۳. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.
۳۴. سوره آل عمران، آیه ۱۰۵.
۳۵. سوره انعام، آیه ۱۵۳.
۳۶. سوره انفال، آیه ۶۳.
۳۷. سوره مائده، آیه ۵۵ - ۵۶.
۳۸. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.
۳۹. سوره مؤمنون، آیه ۵۲.
۴۰. «ثلاث مویبات نکث الصّفقة و ترک السنّة و فراق الجماعة»، (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۶، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق)
۴۱. نک: سید احمد موثقی، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۷۰ - ۷۳، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۴۲. نک: فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۶۲.
۴۳. نک: محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۲۷۸ - ۲۸۴، قم: بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۱ ش.
۴۴. نک: محمد فولادی، «استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی»، مجله معرفت، سال هفدهم، ش ۱۲۶، خرداد ۱۳۸۷ ش.
۴۵. نک: حمید پارسانیا، حدیث پیمان، ص ۲۱ - ۳۱، قم: نشر معارف، ۱۳۷۶ ش.
۴۶. عصر زندگی، ص ۱۰۰.
۴۷. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، فرازهای آخر دعای افتتاح.
۴۸. نک: محمدتقی راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹ ش.
۴۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۵.
۵۰. نک: سوره انفال، آیه ۴۵ - ۴۶؛ سوره انعام، آیه ۱۵۹.
۵۱. در انتظار ققنوس، ص ۳۳۷.
۵۲. سید محمدباقر حکیم، وحدت اسلامی (از دیدگاه قرآن و سنت)، ترجمه: عبدالهادی فقهی زاده، ص ۱۱۷، تهران: انتشارات تبیان، ۱۳۷۷ ش.
۵۳. نک: محمدصادق ربانی خوراسگانی، پایان نامه «بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی ۴ در ایران معاصر»، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ش ۵۷۸.
۵۴. وحدت اسلامی، ص ۳۱.
۵۵. نک: مرتضی منادی، درآمدی جامعه شناسی بر جامعه پذیری، تهران: انتشارات جیحون، ۱۳۸۷ ش.
۵۶. بروس کوئن، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، ص ۷۴، تهران: انتشارات توتیا، ۱۳۷۵ ش.
۵۷. عبدالحسین نیک گهر، مبانی جامعه شناسی، ص ۲۴، تهران: نشر رایزن، ۱۳۶۹ ش.
۵۸. فاضل حسامی، جامعه پذیری در قرآن، با دخل و تصرف اندک.
۵۹. صحیفه نور (مجموعه آثار امام خمینی)، ج ۲۰، ص ۹۷ و ج ۲۱، ص ۳۹۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۶۰. محمد حسین فرجاد، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی اغرافات، ص ۱۷۵، تهران: انتشارات بدر، ۱۳۶۳ ش.
۶۱. درآمدی بر جامعه شناسی، ص ۲۲۰.
۶۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، بی تا.
۶۳. هدایت الله ستوده، آسیب شناسی اجتماعی، ص ۱۸۶، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ ششم، ۱۳۷۹ ش.
۶۴. فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۶۲.
۶۵. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.